



تاریخ انتشار: جمعه 31 شهریور 1391



توصیه حسین موسویان به تهران - واشینگتن

خصوصیت ایران و آمریکا باید متوقف شود

درحالی که انگیزه ایران برای معامله بزرگ با ایالات متحده روشن است، واشینگتن نیز باید به واقع گرایی دوران نیکسون باز گردد. آمریکا تنها با یک تعامل واقعی و جدید می تواند بر اختلافات بین دو کشور غلبه کند.

دیپلماسی ایرانی: سید حسین موسویان، مذاکره کننده هسته ای ایران در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی هم اکنون به عنوان محقق در دانشگاه های ایالات متحده به سر می برد. وی که کتابی تحت عنوان بحران هسته ای را اخیراً منتشر کرده بر این باور است که هنوز فرصت برای از سرگیری روابط ایران و آمریکا وجود دارد. آنچه در زیر می خوانید متن مقاله موسویان در نشنال اینترست است.

سیاست تعامل باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا با ایران شکست خورده است. گام های اخیر به خصوص ورزی بی ماندگی بین دو کشور منجر شده و واشینگتن یک جنگ تمام عیار اقتصادی، سایبری و سیاسی را با ایران پیش گرفته است. البته هنوز هم این اقدامات عطش انتخاباتی را فرونشاندند و دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مانند تبلیغات انتخاباتی دوره های پیشین می کوشند خصمانه ترین پیام را برای ایران ارسال کنند. اما با وجود تمامی این دلسردی ها و دشمنی ها، هنوز هم روابط خود امکانپذیر است اما تنها در صورتی که ایالات متحده تغییر رفتار داده و در را برای تعامل واقعی بگشاید.

موقعیت استراتژیک ایران این کشور را در مرکز منابع انرژی خاورمیانه قرار داده است. ایران از نظر نقشه جغرافیایی بین دو قطب انرژی جهان یکی دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب واقع شده است و به همین دلیل است که ایالات متحده نمی تواند از ایران چشم پوشی کند. اما سر باززدن از پایان دادن به روابط خصمانه دوجانبه که در سه دهه اخیر بین تهران و واشینگتن وجود داشته موجب می شود که ایران همچنان یک کابوس در سیاست خارجی آمریکا باقی بماند و کشورها در آستانه جنگ قرار گیرند.

نامزد های انتخاباتی آمریکا باید با تقویت همکاری و دوستی به جای مقابله و دشمنی، زمینه عقلانی لازم برای تغییر واقعی را ایجاد کنند. به این ترتیب منافع ملی دو طرف، کشور های منطقه، جامعه بین الملل و حتی اسرائیل حفظ می شود.

من برای ربع قرن در روابط ایران با غرب دخیل بوده ام. این برای من روشن است که مانع اصلی در راه عادی سازی روابط نفوذ اسرائیل است. بینامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل نقشی اساسی در سوق دادن دو طرف به سوی جنگ سوم در خاورمیانه ایفا می کند. همانگونه که بسیاری از کارشناسان سیاست خارجی آمریکا به من گفته اند، در واشینگتن سیاست های ایرانی در اغلب موارد سیاست های اسرائیلی است.

این یک نگرانی مشروع است که در صورت حل نشدن مشکل اسرائیل با ایران، مذاکرات هسته ای نیز راه به جایی نخواهد برد و در مسائل مربوط به اهداف هسته ای ایران شفاف سازی نمی شود.

چند روز پیش از مذاکرات هسته ای در بغداد، نتانیاهو به وضوح اعلام کرد که اسرائیل برنامه هی غنی سازی در ایران را

تاب نمی آورد. این رویکرد موجب شد که مقامات در کنگره آمریکا از اواما بخواهند درخواست تعلیق غنی سازی را پیش روی ایران بگذارند. اما همین خودداری از پذیرش حق قانونی ایران در غنی سازی اورانیوم است که دور اخیر مذاکرات را به شکست کشانده است.

استراتژی نتانیاهو بر این است که موضوع هسته ای ایران را به ابزاری تبدیل کند تا از طریق آن واشینگتن وارد جنگ با ایران شود. این در حالی است که یک گمانه زنی گسترده در مورد اقدام نظامی یکجانبه اسرائیل علیه ایران وجود دارد. برخی بر این باورند که نتانیاهو و ایهود باراک، وزیر دفاعش حتی در صورت مخالفت کابینه نیز می توانند پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، تاسیسات هسته ای ایران را هدف قرار دهند.

به این ترتیب می توان گفت که اسرائیل یک عامل کلیدی تاثیرگذار در موضع تند آمریکا علیه ایران است که به افزایش دشمنی ها بین دو کشور منتهی شده است. اما آنچه نتانیاهو از توجه به آن غافل شده این است که تشدید درگیری ها بین تهران و واشینگتن می تواند مشکلاتی را برای اسرائیل ایجاد کرده و حتی امنیت ملی آن را نیز به خطر بیندازد.

یکی دیگر از دلایل موثر در ترمیم نشدن روابط ایران و آمریکا، دولت های سابق ایالات متحده است که از زمان انقلاب اسلامی در ایران تا کنون، هدایت امور در ایالات متحده را بر عهده داشته اند. در این دولت ها استراتژی جامعی برای از سرگیری روابط با ایران تعریف نشد و در مقابل موضوع تغییر رژیم در ایران نیز مطرح شد.

حتی برنامه اصلاحات و ترقی خواهی که در دوران ریاست جمهوری علی اکبر هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی کلید زده شد نیز با مخالفت هایی در واشینگتن همراه بود. این درحالی است که این خصوصیت ورزی حاصلی به همراه نداشت. برای بسیاری از سیاستگذاران ایرانی از جمله مقام معظم رهبری، تنها سیستم دولتی مورد قبول برای غرب حکومتی نظیر حکومت محمد رضا پهلوی است که دلارهای نفتی را به نفع غرب خرج می کرد و به سیاست های اعمالی از سوی خارج تن می داد.

برای اغلب ایرانی هایی که در داخل کشور زندگی می کنند، سیاست تغییر رژیم که از سوی آمریکا دنبال می شود، شرایطی مانند، عراق؛ افغانستان یا سوریه در ایران پدید می آورد. ایرانیان هنوز خاطره جنگ هشت ساله ایران - عراق که پس از انقلاب اسلامی اتفاق افتاد را به خاطر می آورند. به همین دلیل امنیت و ثبات یکی از مهمترین خواسته های جامعه ایران است.

از سوی دیگر تمایلی که بین تحلیلگران غربی وجود دارد تا مخالفت مقام معظم رهبری با عادی سازی روابط ایران - آمریکا را به ایدئولوژی غیر قابل انعطاف ربط دهند، اشتباه بوده و باید این نگرش اصلاح شود. در واقع مخالفت مقام معظم رهبری با عادی سازی روابط در احساسات مذهبی ریشه ندارد و بیشتر به غرور ملی، هویت و موجودیت مربوط می شود.

پس از حدود سه دهه فعالیت در حکومت ایران، تردیدی ندارم که ایران و مقام معظم رهبری که تصمیم گیری نهایی در سیاست خارجی را بر عهده دارند، از روابط سالم با ایالات متحده بر مبنای احترام متقابل و عدم مداخله و خصوصیت ورزی، استقبال می کنند. ایران خود را کشور بزرگی می داند که مهد تمدن است و در بسیاری از زمینه ها مانند علوم، تولید دارو، ریاضیات، نجوم و هنر و موسیقی نقش مثبتی در جامعه بین الملل ایفا کرده است. این یک غرور ملی است که انگیزه را برای مقابله با سلطه ایالات متحده تقویت می کند.

اما ایرانیان از یک رابطه متوازن، استقبال می کنند. همانگونه که در کتاب جدید خود تحت عنوان بحران هسته ای ایران، خاطرنشان کرده ام، مذاکره کنندگان هسته ای هم در دوره خاتمی و هم احمدی نژاد به دولت بوش و اواما پیشنهاد دادند مذاکرات وسیعی به منظور از سرگیری روابط انجام شود. اما آمریکا با این پیشنهاد مخالفت کرد.

درحالی که انگیزه ایران برای معامله بزرگ با ایالات متحده روشن است، واشینگتن نیز باید به واقع گرایی دوران نیکسون باز گردد. آمریکا تنها با یک تعامل واقعی و جدید می تواند بر اختلافات بین دو کشور غلبه کند.

آمریکا و ایران باید به دنبال مذاکرات جامع و ادامه داری باشند که نمونه آن در 3 دهه گذشته مشاهده نشده است. این یک نکته مهم است که پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر سال جاری و انتخابات ریاست جمهوری ایران در ژوئن 2013، مذاکراتی در سطح کارشناسان بین ایران و آمریکا انجام شود. این روند به دو طرف امکان می دهد که زمینه و استراتژی را برای دوران پس از انتخابات ریاست جمهوری آماده کنند. سابقه تاریخی نشان می دهد که همواره دو طرف پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری برای از سرگیری روابط تلاش کرده اند. اما این تلاش ها به شکست منجر شده چرا که آمادگی یا هماهنگی اولیه برای آن وجود نداشته است.

اما برای به نتیجه رسیدن مذاکرات، واشینگتن نیز باید پیشنهاد هایی ارائه کند. آمریکا باید برای به رسمیت شناختن حقوق هسته ای ایران شامل غنی سازی اورانیوم آماده باشد و در مقابل این تضمین را از ایران دریافت کند که هیچگاه به باشگاه هسته ای وارد نمی شود. علاوه بر این ایالات متحده باید همکاری تدریجی با ایران در زمینه منافع مشترک مانند افغانستان را آغاز کند. به بیان دیگر مسائلی که به دو کشور مربوط می شوند نباید به بهانه تنش های هسته ای با ایران گرو گرفته شوند.

اگر آمریکا پیشنهاد صحیحی ارائه کند، این احتمال وجود دارد که توافقی حاصل شود که تهران را برای همیشه از سلاح هسته ای دور نگاه می دارد.

در حال حاضر هنوز شانس راهکاری دیپلماتیک وجود دارد و نباید این فرصت را از دست داد. ایران به طور کامل برای شفاف سازی برنامه های هسته ای و رفع نگرانی ها آمادگی دارد. علاوه بر این ایران آماده است تا محدودیت هایی را در برنامه های هسته ای خود مانند کاهش سطح غنی سازی به 5 درصد بپذیرد. به همین دلیل نباید این شانس را نیز به یکی دیگر از فرصت های از دست رفته در تاریخ روابط ایران و آمریکا تبدیل کرد.

در صورتی که آمریکا و نه اسرائیل هدایت امور در مورد ایران را در دست بگیرند، این رویکرد واقع گرایانه می تواند شانس برای موفقیت داشته باشد. همانگونه که نیکلاس برنز، دستیار سابق وزارت امور خارجه آمریکا در یکی از مقاله های خود در روزنامه بوستون گلوب نوشت، واشینگتن نباید خود را به گروگانی برای جدول زمانی نتایج برای اقدام تبدیل کند. به این ترتیب باید امیدوار بود که رئیس جمهور جدید آمریکا این خردمندی و توانایی را داشته باشد.

ترجمه: تحریریه دیپلماسی ایرانی / 10

<dynamic-0#####>